نگاه بیرون

## آنچه اعراب می‌خواستند آنچه گرفتند

The New York Times

ترجمه: شهرام زرندار

● عربستان‌سعودی آن‌قدر از وقوع توافق هسته‌ای بین ایران و قدرت‌های بزرگ عصبانی است که تهدید کرده توانایی هسته‌ای خود را توسعه می‌بخشد. این نشانه دیگری از وجود اختلافات عمیق بین ایالات متحده و دولت‌های عرب خلیج‌فارس درباره توافق هسته‌ای بین ایران و کشورهای ۵+۱ است. اوباما اظهار امیدواری کرده است پلی روی این شکاف بزند و با نمایشی از وحدت آمریکا و اعراب در اجلاس «کمپ دیوید»، میزان این تفاوت‌های عمیق را کاهش دهد. دستاوردهای اجلاس کمپ دیوید کمتر از آنچه او می‌خواست، بود؛ نتیجه‌ای بد برای هر دو طرف، حاصل این نشست است. نشست کمپ دیوید با یک بیانیه مشترک داغ تمام شد. این بیانیه بار دیگر بر رابطه عمیق بین ایالات متحده و کشورهای خلیج‌فارس تأکید می‌کند، هرچند نمی‌تواند تفاوت‌های پایدار و عمیقی که در مورد توافق هسته‌ای با ایران وجود دارد پنهان کند. اما این توافقی است که با آن ایالات متحده می‌خواهد به ازای برداشتن تحریم‌های بین‌المللی توانایی هسته‌ای ایران را کاهش دهد. مقامات آمریکایی به رهبران خلیج‌فارس اطمینان داده‌اند که هدف این است که جلوی دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای گرفته شود. اما آسوشیتدپرس از قول عادل الجبیر وزیر امور خارجه عربستان سعودی گفته: «هنوز زود است در مورد آنچه می‌خواهیم و آنچه نمی‌خواهیم قضاوت کنیم». واضح‌ترین شاهد (تیرگی) روابط بین ایالات متحده و هم‌پیمانان عربش در طی این سالیان، تصمیم ملک سلمان برای عدم شرکت در اجلاس کمپ دیوید بود. این عدم شرکت از سوی ملک سلمان در حالی اعلام شد که کاخ سفید اعلام کرده بود او در این اجلاس شرکت می‌کند. پادشاه بحرین حامدبن عیسی آل خلیفه که او هم غیبت داشت، ترجیح داده بود در یک نمایش اسب‌دوانی در بریتانیا حاضر شود. علامت تهدیدکننده و تنش‌آلود دیگر تهدید عربستان سعودی و سایر دولت‌های عربی مبنی بر درخواست آنها برای دراختیارداشتن توانایی غنی‌سازی اورانیوم تا حدی که ایران برطبق قرارداد مجاز است، بود شاهزاده ترکی الفیصل وزیر اطلاعات سابق عربستان سعودی به‌تازگی گفته هرچه که ایرانی‌ها دارند، ما هم خواهیم داشت.

اعراب سنی دو نگرانی عمده دارند، یک این است که طبق توافق هسته‌ای، ایران به‌جای خاتمه‌دادن به تولید سوخت هسته‌ای، توانایی محدودی برای تولید سوخت هسته‌ای و نیازهای پزشکی درمانی حفظ خواهد کرد. آنها همچنین نگران این مسئله‌اند که بازگشت ایران به جامعه جهانی بدین معنی خواهد بود که آمریکا هواداری از کشورهای منطقه را تقسیم کند و بنابراین دیگر نمی‌توان از ایالات متحده انتظار داشت که فقط از اعراب دفاع کند. اوباما در بیانیه مشترک اجلاس کمپ دیوید سعی کرد این امر را روشن کند، بیانیه اعلام می‌کند که: سیاست ایالات متحده که در مورد استفاده از همه عناصر قدرت برای ایجاد امنیت و دفاع از منافع مشترکمان در خلیج‌فارس و برای بازداشتن و مقابله با تهاجم خارجی علیه متفقین و شرکایمان در مورد جنگ خلیج انجام دادیم واضح و روشن است. اما او خردمندانه تا آنجا پیش رفت که زیر بار معاهده‌ای رسمی مانند معاهده NATO که برخی از رهبران عرب خواستار آن بودند و می‌توانست ایالات متحده را به میدان منازعات نظامی در خاورمیانه بکشاند، برود.

هیچ شکی نیست که چشم‌انداز منطقه‌ای چه از نظر سیاسی و چه دیپلماتیک در حال تغییر است. مقامات بالای آمریکایی و ایرانی که پس از انقلاب ۱۹۷۹ هیچ تماسی با هم نداشته‌اند، مشغول مذاکرات معمولی‌اند. تجارت بین‌المللی در این چشم‌انداز متعادل به سوی استفاده از امتیاز توان بالقوه جذب سرمایه بازار کاروسرمایه ایران پیش می‌رود و این به محض برداشته‌شدن تحریم‌ها و شروع تزریق میلیاردها دلار سرمایه به اقتصاد ایران شروع می‌شود. اگرچه این امر برای رهبران عرب نامناسب است، رهبرانی که روزگاری برنامه هسته‌ای ایران را شدیدترین تهدید برای خود می‌دانسته‌اند در مورد توافق‌نامه‌ای که می‌خواهد این تهدید را از میان بردارد، شکایت کنند. ترس منطقی دیگر این است! هنگامی که تحریم‌ها برداشته شوند، ایران منابع بیشتری خواهد داشت که با آن نفوذ خود را در خاورمیانه بسط دهد. مقامات اجرائی آمریکا نظری منطقی دارند؛ آنها می‌گویند احتمال زیادی وجود دارد که ایرانی‌ها پول‌های بلوکه‌شده خود را پس از لغو تحریم‌ها برای نیازهای انباشته‌شده محلی خود خرج کنند. به‌نظر می‌رسد این مقامات در مورد این حقیقت که درحال‌حاضر یک توافق هسته‌ای با ایران می‌تواند راه را برای همکاری با تهران باز کند، چشم‌های بازی دارند. یک توافق هسته‌ای قابل‌تأیید که توانایی ایران را محدود می‌کند، مهم‌ترین شانس را برای دورنگه‌داشتن ایران از دستیابی به سلاح هسته‌ای دارد. این راه‌حل به هیچ‌وجه نیاز به تهدید عربستان و سایر دول عربی ندارد. نیازی نیست دولت‌های عربی هم توانایی‌ها و ظرفیت‌های هسته‌ای خودشان را افزایش دهند، توانایی‌ها و ظرفیت‌هایی که می‌تواند باعث مسابقه تسلیحاتی و برافروخته‌شدن آتش جنگ در منطقه شود.

عکس: AP

# بازگشت بی‌نتیجه اعراب از کمپ دیوید

**شرق- نزهت امیرآبادیان:** نشست نمایندگان شش کشور عضو شورای همکاری خلیج‌فارس با ایالات‌متحده‌آمریکا در کمپ‌دیوید با صدور بیانیه‌ای پایان یافت. سران محافظه‌کار حوزه خلیج‌فارس در طول دهه‌های گذشته هرگز اینچنین خشمگین و آشوب‌زده نبوده‌اند. بحران سوریه و یمن و مشکلات موسمی عراق و در صدر همه، موضوع پرونده هسته‌ای ایران، کشورهای عربی مخصوصا عربستان‌سعودی را به‌شدت نگران کرده است. حدود یک‌ماه پیش، بعد از تفاهم میان ایران و کشورهای ۵+۱ و صدور بیانیه لوزان، رئیس‌جمهوری آمریکا سران کشورهای عرب حوزه خلیج‌فارس را به کمپ‌دیوید دعوت کرد. قرار بود در این نشست رئیس‌جمهور آمریکا در مورد اوضاع سوریه، یمن، عراق و مذاکرات هسته‌ای ایران با سران کشورهای عربی گفت‌وگو کند؛ نشستی که چهارشنبه و پنجشنبه هفته گذشته برگزار شد و نتیجه آن تنها صدور یک بیانیه مشترک بود. شورای همکاری خلیج‌فارس متشکل از عربستان‌سعودی، کویت، قطر، بحرین، امارات‌متحده‌عربی و عمان است. اوباما در کمپ‌دیوید تلاش کرد از نگرانی‌های کشورهای عربی درباره توافق هسته‌ای با ایران بکاهد. دعوت‌شدن به کمپ‌دیوید - تفرج‌گاه رسمی رئیس‌جمهور آمریکا- نشان‌دهنده اهمیت این گفت‌وگوها بود. این دومین‌بار است که اوباما در کمپ‌دیوید میزبان رهبران خارجی می‌شود. بار پیش در می ۲۰۱۲ بود که رهبران هشت کشور قدرتمند جهان به نام «گروه ۸» به این اقامتگاه در ایالت مریلند آمدند. رئیس‌جمهوری آمریکا برای رسیدن به یک توافق هسته‌ای با ایران و ثبت آن در کارنامه خود اکنون مشغول جدال در سه جبهه مختلف است. جبهه اول، جمهوری‌خواهان تندرویی که همچنان به‌دنبال پروژه تغییر نظام در ایران هستند و درصورت توافق هسته‌ای با ایران رؤیاهای خود را ازدست‌رفته می‌بینند.

جبهه دوم، رژیم اسرائیل که تنها دولت مسلح به سلاح هسته‌ای در منطقه خاورمیانه است و لابی طرفدار اسرائیل در آمریکا؛ این گروه رفع انزوای ایران را در منطقه و جهان به ضرر خود می‌دانند چون در صورت قدرت‌گرفتن ایران در منطقه، متحدان استراتژیک ایران مانند فلسطین، لبنان و سوریه نیز قدرت خواهند گرفت. این گروه نیز به‌دنبال گزینه جنگ و تغییر نظام در ایران هستند. جبهه سوم نیز اعراب حاشیه خلیج‌فارس هستند که از یک‌سو نگران افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران هستند و از سوی دیگر نگران کمرنگ‌شدن اتحاد استراتژیک خود با آمریکا و تبدیل‌شدن به متحدان شماره ۲ پس از ایران هستند؛ موضوعی که طبیعتا پس از رفع تحریم‌ها اتفاق خواهد افتاد.

### «ناتوی عربی» دراغما

برخی از کشورهای عربی منطقه خلیج‌فارس پیش از این نشست گفته بودند که خواستار امضای معاهده‌ای دفاعی با آمریکا هستند. اما اوباما در نشست کمپ‌دیوید برخلاف انتظارات اعراب، هیچ توافق‌نامه یا معاهده رسمی درباره دفاع از کشورهای عرب حاشیه خلیج‌فارس امضا نکرد و تنها به شکل شفاهی وعده داد که «ایالات‌متحده به دفاع از شورای همکاری خلیج‌فارس در برابر هرگونه حمله خارجی متعهد است و برای تقویت قدرت دفاعی این کشورها می‌کوشد».

منابع دیپلماتیک معتقدند که در نشست کمپ‌دیوید هیچ‌یک از طرفین به اهداف خود نرسیدند. باراک اوباما پس از پایان این نشست گفت: «مذاکرات ما بر پرونده هسته‌ای ایران، بحران سوریه و مبارزه با داعش تمرکز داشت و دور جدیدی از روابط آمریکا با هم‌پیمانان خود در حوزه خلیج‌فارس پس از این نشست آغاز شده است». او وعده داد که از هم‌پیمانانش در منطقه خلیج‌فارس در مقابل هرگونه «حمله خارجی» حمایت خواهد کرد. اوباما اعلام کرد آمریکا به بررسی گزینه استفاده از نیروی نظامی به‌منظور دفاع از آنها خواهد پرداخت. او در کنفرانسی خبری اعلام کرد: «این یک جاده دوطرفه است و کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس - که خودشان نیز اختلاف‌نظرهایی با یکدیگر دارند - نیز باید به صورتی بهتر با یکدیگر همکاری کنند».

### هدف، رویارویی با ایران نیست

اوباما تأکید کرد که «هدف از همکاری‌های امنیتی با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس، منزوی کردن ایران یا رویارویی با تهران نیست». وی درباره همکاری با کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس گفت: «واشنگتن به همکاری محکم با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس در رویارویی با هرگونه تهدید خارجی برای این کشورها که با منشور سازمان‌ملل همخوانی ندارد، پایبند است». به گزارش ایسنا، رئیس‌جمهوری آمریکا بر عزم آمریکا برای تقویت همکاری‌های نظامی خود با شش کشور عضو شورای همکاری خلیج‌فارس در رویارویی با «نفوذ روزافزون ایران در منطقه» تأکید و اعلام کرد که گسترش شراکت آمریکا در عرصه‌های مختلف با کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس به آمریکا امکان اتخاذ تدابیر و راه‌های مناسب از جمله گزینه نظامی را می‌دهد.

### تشکیل ۲ کشور در فلسطین

رئیس‌جمهوری آمریکا در پایان نشست کمپ‌دیوید در میان خبرنگاران به مسئله فلسطین نیز اشاره کرد و گفت: رسیدن به توافق صلح در خاورمیانه تنها با تشکیل دو کشور فلسطین و اسرائیل ممکن است و بهترین راهکار برای تضمین امنیت اسرائیل در طولانی‌مدت، راهکار تشکیل دو کشور است. اوباما خاطرنشان کرد: همواره اطمینان داشته‌ام که راهکار تشکیل دو کشور، راهکاری حیاتی نه‌فقط برای صلح میان اسرائیل و فلسطین بلکه برای تضمین طولانی‌مدت امنیت اسرائیل است. او با اشاره به امضای توافق‌نامه کمپ‌دیوید در سال ۱۹۷۸ میان مناخین بگین و انور سادات، رؤسای اسبق اسرائیل و مصر، عنوان کرد: کاری که مصر و اسرائیل انجام دادند، به صلحی دائم میان دو طرف که زمانی دشمن یکدیگر بودند انجامید و به عقیده من می‌توان بار دیگر این صلح را میان اسرائیل و فلسطین برقرار کرد و باید بگویم جایگزینی برای تشکیل راهکار دوکشور جهت حل اختلافات فلسطین و اسرائیل وجود ندارد. درباره مسئله سوریه نیز اوباما اعلام کرد که آمریکا با همکاری جامعه جهانی برای تحقیق درباره گزارش‌هایی پیرامون استفاده از گاز کلر در برخی مناطق سوریه، تلاش می‌کند.

### از هم‌پیمانان دفاع می‌کنیم

در بیانیه پایانی نشست کمپ‌دیوید آمده است: سیاست ایالات‌متحده در قبال خاورمیانه کاملا واضح است و از تمامی ابزار قدرت خود از جمله نیروی نظامی برای دفاع از منافعش در منطقه خلیج‌فارس استفاده می‌کند و هرگونه تهدیدی را از هم‌پیمانان خود در این منطقه دفع خواهد کرد. در این بیانیه همچنین تأکید شده است: آمریکا و هم‌پیمانانش در خلیج‌فارس تأکید می‌کنند که هرگونه توافق با ایران که باعث کاهش نگرانی‌ها از برنامه هسته‌ای این کشور شود، به‌نفع کشورهای عرب حوزه خلیج‌فارس، آمریکا و تمام جهان است. کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس نیز پایبندی‌شان برای مذاکره با آمریکا قبل از هرگونه اقدام نظامی را اعلام و بر آمادگی خود برای استقرار سامانه‌های دفاعی موشکی و رادارهای هشدارسریع با کمک آمریکا، تأکید کردند. در این نشست بر لزوم تغییر هرچه‌سریع‌تر عملیات نظامی در یمن به عملیات سیاسی و حل‌وفصل درگیری‌های خاورمیانه از طریق راهکارهای دیپلماتیک و نیز حل اختلافات فلسطین و اسرائیل بر اساس راهکار دو کشور تأکید شد.

اختلاف‌نظرها بر سر سیاست آمریکا در قبال ایران، جنگ داخلی سوریه و قیام‌های بهار عربی بر این نشست سایه افکند؛ نشستی که غیبت بیشتر سران کشورهای عربی - که مقامات سطح پایین‌تر را به این نشست فرستاده بودند - نیز بر آن تأثیر گذاشته بود. در نشست کمپ‌دیوید تنها رهبران دو کشور قطر و کویت شرکت کرده بودند و عربستان، بحرین و امارات و عمان ولیعهد و نمایندگان خود را به آمریکا اعزام کرده بودند.

### واکنش وزارت امور خارجه به بیانیه کمپ‌دیوید

سخنگوی وزارت امور خارجه درباره مطالب مطرح‌شده در بیانیه کمپ‌دیوید در مورد کشورمان، گفت: جمهوری اسلامی ایران همواره تأکید داشته است حل‌وفصل بحران‌های جاری در منطقه نیازمند اجتناب از روش‌های نظامی و روی‌آوردن به گفت‌وگو و راه‌حل سیاسی است. متأسفانه رفتارهایی همچون حمله نظامی خارجی به یمن و نادیده‌گرفتن تمامیت ارضی این کشور و حمایت آمریکا از این حمله، نه‌تنها در تعارض با مقررات بین‌المللی است، بلکه با برخی مفاد بیانیه کمپ‌دیوید هم هم‌خوانی ندارد و لازم است کشورهای شرکت‌کننده در اجلاس مذکور، هماهنگی بیشتری در گفتار و رفتار خود داشته باشند. سخنگوی وزارت امور خارجه در واکنش به طرح ادعایی مبنی‌بر اقدامات بی‌ثبات‌ساز ایران، با تکراری‌خواندن این مطالب افزود: واقعیات منطقه خلاف چنین ادعاهایی را نشان می‌دهد. جمهوری اسلامی ایران قائل به تحکیم روابط با همسایگان و حسن همجواری است و در هیچ‌یک از مناقشات منطقه‌ای راه‌حل نظامی و احترام‌نگذاشتن به تمامیت ارضی کشورها را توصیه نکرده و معتقد است کسانی که به‌جای مبارزه جدی با تروریسم، زیرساخت‌های کشور همسایه و برادر خود را با توسل به نظامی‌گری نابود کرده‌اند و صلح و ثبات منطقه‌ای را عمیقا به خطر انداخته‌اند، نباید خود را در مسند قضاوت درباره رفتار دیگران قرار دهند.

### ظریف: از اندازه کشور خود راضی هستیم

محمدجواد ظریف، وزیر خارجه کشورمان، در گفت‌وگویی کوتاه با هفته‌نامه آلمانی اشپیگل ضمن امیدواری به رسیدن به توافق اتمی، به اعتراض‌هایی که در منطقه شکل گرفته است واکنش نشان داده و گفته است: «ما نمی‌خواهیم منطقه را تحت سلطه خود دربیاوریم. ما از اندازه و جغرافیای فعلی خود بسیار راضی هستیم». به گزارش رویترز، ظریف گفت: «مذاکرات باجدیت در جریان است و وقتی طرف‌های مذاکره جدی باشند، احتمال رسیدن به توافق هم بالا می‌رود». ظریف در گفت‌وگو با اشپیگل همچنین گفته است: «ما با سیلی از اظهارنظرهای تهاجمی از سوی عربستان‌سعودی روبه‌رو شده‌ایم. به نظر می‌رسد برخی از کشورهای منطقه خیلی هراسان شده‌اند، ولی هیچ نیازی به ترسیدن نیست. ما نمی‌خواهیم منطقه را تحت سلطه خود دربیاوریم. ما از اندازه و جغرافیای فعلی خود بسیار راضی هستیم».

### باید مسیر مشارکت مثبت ایران را فراهم کنیم

اوباما نیز پس از اجلاس کمپ‌دیوید با مقام‌های عالی شورای همکاری خلیج‌فارس و در مصاحبه با شبکه تلویزیونی العربیه، اجلاس کمپ‌دیوید را موفقیت‌آمیز دانست و گفت این اجلاس به گسترش و تعمیق روابط فوق‌العاده بین آمریکا و کشورهای عرب‌زبان کمک کرده است. باراک اوباما به العربیه گفت آمریکا حمایت نظامی بیشتری از کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس به عمل خواهد آورد و مانورهای نظامی مشترکی نیز برگزار خواهد شد. او مجددا تأکید کرد که در صورت رسیدن به توافق، بازرسی‌هایی که از تأسیسات هسته‌ای ایران به عمل می‌آید، گسترده‌ترین برنامه نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای یک کشور خواهد بود. او گفت: «به نفع همه است که اطمینان پیدا کنیم ایران به سلاح اتمی نمی‌رسد و باید برای این منظور مسیری برای مشارکت مثبت ایران فراهم کنیم».

### وزیر خارجه عربستان: به رایزنی ادامه می‌دهیم

عادل الجبیر، در پایان نشست سران آمریکا و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج (فارس) در کمپ‌دیوید، درباره مذاکرات ایران با ۵+۱ گفت: باراک اوباما، کشورهای شورای همکاری خلیج (فارس) را در جریان جدیدترین مذاکرات قرار داد و تصریح کرد آنچه به دست آمده، چارچوب توافق است. براساس گزارش «شبکه خبر» او افزود: کشورهای شورای همکاری خلیج (فارس) و همه کشورهای جهان، از توافق با ایران که مانع از دستیابی آن به سلاح هسته‌ای می‌شود، استقبال می‌کنند. وزیر امور خارجه عربستان توضیح داد: در شش هفته آینده (تا زمان دستیابی به توافق نهایی بین کشورهای بین‌المللی و ایران) رایزنی‌های آمریکا و عربستان به‌صورت روزانه، در همه زمینه‌ها و به‌منظور آخرین تحولات مذاکرات با ایران، ادامه خواهد داشت، همان‌گونه که از آغاز مذاکرات بین قدرت‌های جهانی و ایران، این روند شروع شده بود.

ادامه از صفحه ۱۸

## از جرعه آب ۱۵۰۰ تومانی تا فحش‌های مثبت ۱۸

### مثبت ۱۸

تماشاگران دو تیم تازمانی‌که بازیکنان رقیب به ورزشگاه نیامده بودند، چندان حرف‌های مثبت ۱۸ نمی‌زدند، اما به‌ناگاه و با ورود بازیکنان به زمین انگار پرده حیا کنار رفت: بوق، بوق، بووووق، بووووووقق!!! درست کمی پایین‌تر پدری دیده می‌شد که دستش را دودستی و محکم روی گوش‌های پسر سه یا چهارساله‌اش گذاشته است، سعی می‌کند هم‌زمان با شعارهای زننده‌ای که داده می‌شود در گوش پسرش هم نجوا کند تا اگر دستان در پوشاندن گوش پسر کم‌کاری کردند، حرف‌ها جایش را پر کنند! بازی که شروع می‌شود تندی آفتاب هم بیشتر می‌شود. روی سکوها بحث‌های فنی هم به راه است: «داداش برانکو با سه تا مهاجم اومده، هجومی چیده. می‌خواد ببره». نیمه‌اول که چنین چیزی نشان نمی‌دهد. بازی سرد و کسل‌کننده است و تماشاگران دلخوش به موج (نیمه) مکزیکی هستند که در میانه راه قطع می‌شود. با پایان‌یافتن بازی در نیمه‌اول، فحش‌های مثبت ۱۸ با هماهنگی بی‌نظیری (!) خطاب به بازیکنان رقیب مطرح می‌شود. سخت است بتوان تصور کرد روزی در این ورزشگاه و با این فرهنگ بشود زن‌ها هم، به‌عنوان تماشاگر، شاهد بازی باشند. پدر بیچاره به‌جای لذت‌بردن از دربی همه حواسش به گوش‌های پسرک است که حالا برای سرگرم‌کردنش بازی جدیدی اختراع کرده: «بزار ببینم چی رفته تو گوش پسرم. بزار گوشاشو بپوشونم که چیزی نره تو گوشش!». نیمه‌دوم هم شرایط یکسان است، با این تفاوت که بازی کمی از سکون درآمده است و تیم‌ها مشغول حمله‌کردن هستند. سانتر نوروزی باعث می‌شود علیپور جوان گل مهمی در زندگی‌اش بزند. به ناگاه ورزشگاه مثل ترقه‌ای که پشت دروازه استقلال منفجر شد، به‌هم ریخت و صدای فریاد همه‌جا پرشد. این‌بار پسرک، که از دستِ دست‌های پدر خلاص شده بود، هم تشویق می‌کرد. نه اینکه طرفدار پرسپولیس باشد یا بداند استقلال چیست، بلکه از خوشحالی آدم‌های کناری‌اش به وجد آمده بود. پرسپولیسی‌ها این‌بار هم مهیای برد بودند. آنها داربی رفت را هم با «درخشان» برده بودند و بازی برگشت را هم با «برانکو» داشتند می‌بردند. پایکوبی طرفداران سرخ به‌وضوح به گوش می‌رسید و استقلالی‌ها هم دو دسته شده بودند؛ عده‌ای که نمی‌خواستند قبول کنند رفت‌وبرگشت را واگذار کرده‌اند، می‌خواستند تیم تشویق شود و گل مساوی زده شود، ولی عده‌ای دیگر هم زیر لب و گاها بلند حرف دل‌شان را تکرار می‌کردند: «بابا این چه تیمیه! این چه مربیه! تا کی باید بکشیم؟» بازی با تمام زیروبم‌ها و اتفاقاتی که، به‌ویژه روی دروازه دو تیم، می‌افتد به پایان می‌رسد. پرسپولیس داربی برگشت را هم می‌برد تا سرخ‌ها خوشحال باشند و آبی‌ها با بهت زمین را نگاه کنند؛ زمینی که البته خیلی‌زود با درگیری حنیف عمران‌زاده و سوشا مکانی، دو رفیق دیروز و رقیبای امروز، دوباره متحول شد و فحش‌های مثبت ۱۸ را با صدایی رساتر به گوش رساند.

### رئیس‌مافیا

از درِ خروجی که رد می‌شدی، این‌بار تجمعی دیگر دیده می‌شد. نزدیک به ۴۰ یا ۵۰ نفر از هواداران استقلال ایستاده بودند و دل پُری داشتند: «رئیس مافیا باید بره!». آنها به‌شدت از امیر قلعه‌نویی گله داشتند؛ مربی‌ای که این فصل هم برای آنها ارمغانی نداشت؛ نه قهرمانی، نه کسب سهمیه. اینها هیچ، داربی رفت‌وبرگشت را هم باخت. قلعه‌نویی حالا بین هواداران هم جایگاهش را از دست داده است: «آقا این اخراج شه، علی منصوریان بیاد. سیستم این آقا دیگه به درد استقلال نمی‌خوره»... جمعیت به‌سوی اتومبیل‌های شخصی و عمومی می‌روند و در سرخی آفتاب، ورزشگاه آفتابی آهسته‌آهسته رنگ سفیدش را از دست می‌دهد... .

ادامه از صفحه ۱۵

## فرجام اپوزیسیون فرمایشی

«احزاب دولتی در تقابل با احزاب سیاسی مستقل و غالبا در غیاب این احزاب، در مقاطع رکود و توقف فعالیت‌های حزبی تشکیل می‌شوند. حزب‌هایی که حیات آنها با دولت پیوند خورده و به‌منظور رفع بحران‌های دولت چون بحران مشروعیت، مشارکت و ثبات سیاسی تشکیل شده‌اند و اغلب در مراکز آنها رهبر قدرتمند واحدی قرار می‌گیرد». این احزاب گاه شخصی و متکی به حاکمان غیرنظامی یا نظامی هستند؛ اما در مقاطع رکود کنش‌های حزبی، توسط درباریان و رجال بنیان‌گذاری و رهبری می‌شوند. این احزاب در فضای حاکمیت خودکامه شاه تحت‌الشعاع قدرت قاهره او قرار گرفته و فاقد هرگونه قدرت و نفوذ واقعی بودند. احزاب دولتی ایران را احزاب درباری و «شه‌ساخته» می‌گفتند. «این احزاب به‌رغم برخورداری از عناوین اکثریت و اقلیت یا موافق و مخالف، در پیروی از شاه و انطباق با خواسته‌ها و برنامه‌های رژیم تفاوت چندانی با یکدیگر نداشتند و به احزاب «بله قربان» و «البته اعلی‌حضرت» یا «حزب پپسی‌کولا» و «حزب کوکاکولا» معروف بودند». اما با پیدایش فضای سیاسی بالنسبه آزاد سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ که دوره‌ای دیگر از تحزب- گرچه کوتاه و محدود- در ایران شکل گرفت، دو حزب دولتی فرمایشی در محاق قرار گرفتند. پس از تعطیلی و انحلال احزاب سیاسی غیردولتی بار دیگر احزاب دوگانه دولتی- این‌بار با نام‌های مردم و ایران نوین- به صحنه خالی از احزاب واقعی بازگشتند. به این ترتیب در رأس هریک از این قبیل احزاب دولتی یکی از نخست‌وزیران دست‌نشانده شاه قرار داشت و چنین احزابی عملا به‌مثابه ابزار کار حکومت و بسط و تعمیم قدرت رژیم و اجرای نمایش دموکراسی عمل می‌کردند. تا اینکه شاه تصمیم گرفت رکن چهارمی ایجاد کند.

### زنگ خطر

شاه ناگهان تغییر موضع داد؛ او در ۱۱ اسفند ۱۳۵۳ با یک چرخش کامل، به سوی دولت تک‌حزبی گرایش پیدا کرد. محمدرضاشاه مثل مواقعی که می‌خواست تصمیم مهمی بگیرد، با انگشت سبابه روی میز می‌زد؛ قبلا با موهای سرش بازی می‌کرد، اما حالا که به نوشته اسدالله علم، وزیر دربار «بحمدالله قدرت از هر حیث در دست شاهنشاه است، فکرکردنشان این‌طور است [ضربه‌زدن به میز با انگشت سبابه]». روز پنجم اسفند ۱۳۵۳ به علم دستور داد اعضای هیأت دولت، رؤسای مجلسین و نمایندگان رسانه‌ها را برای ۱۱ اسفند فرابخواند؛ چون می‌خواهد خبر مهمی را اعلام کند. اسدالله علم در جلد چهارم خاطراتش می‌نویسد: «شاهنشاه فرمودند من ترکیب تازه‌ای از دو حزب اکثریت و اقلیت درست کرده‌ام. اقلیت هرچه بگوید که ما می‌گوییم به ما برمی‌خورد، پس آنها چه غلطی بکنند؟ بنابراین فکرهایی در این خصوص کرده‌ام که ملت ایران وضع خود را روشن بداند...». بعد از این باید کلیه جنبه‌های سیاسی تحت نظارت یک حزب قرار می‌گرفت: «حزب رستاخیز ملت ایران» به رهبری امیرعباس هویدا نخست‌وزیر. «حزب رستاخیز را دو گروه بسیار متفاوت مشاوران در کشور طراحی کردند. جوانان فارغ‌التحصیل رشته علوم سیاسی از دانشگاه آمریکا که با آثار ساموئل هانتینگتون آشنا بودند و اعتقاد داشتند که تنها راه رسیدن به ثبات سیاسی در کشورهای درحال‌توسعه تشکیل یک حزب حکومتی باانضباط است که بین جامعه و دولت پیوندی سازگار ایجاد کند تا اولی دومی را به حرکت وادارد. آنها این نظر هانتینگتون را نادیده می‌گرفتند: پادشاهی‌ها توجیه تاریخی ندارد و حزب نباید ابزاری در دست حکومت برای سیطره بر توده‌ها باشد. بلکه باید همانند تسمه نقاله دوسره‌ای فشارها را از جامعه به دولت و دستورالعمل‌ها را از دولت به جامعه منتقل کند. گروه دوم مشاوران از کمونیست‌های سابق شیراز که در اوایل دهه ۱۳۳۰ حزب توده را ترک کرده و با حمایت علم دوباره وارد سیاست شده، بودند و می‌خواستند به شیوه لنینیستی توده‌ها را به حرکت درآورند». مقرر شد همه «ایرانیان وفادار در آن نام‌نویسی کنند». گفتند کسانی که مایل نباشند به حزب واحد بپیوندند حتما «هواداران مخفی حزب توده» خواهند بود. وقتی روزنامه‌نگاران خارجی از شاه پرسیدند: این عمل با اظهارات قبلی‌اش در تأیید نظام دوحزبی سخت مغایرت دارد؛ گفت: «آزادی اندیشه! آزادی اندیشه! دموکراسی! دموکراسی! بچه پنج‌ساله اعتصاب کنند و بریزند توی خیابان‌ها! دموکراسی؟ آزادی؟ معنی این کلمات چیست؟ من کاری با آنها ندارم». در سه سال آخر رژیم شاه تنش‌های سیاسی تشدید شد. پنج‌برابرشدن ناگهانی درآمد نفت، انتظارات فزاینده مردم و شکاف بین وعده‌ها، ادعاها و دستاوردهای رژیم راه را برای سقوط هموار می‌کرد. بالاخره پلان آخر نمایشِ دموکراسی تمام شد. شاه دیگر تحمل رقابت احزابِ فرمایشی و دولت‌ساخت یا «استبداد آئینی» دوگانه را در پنج سال آخر حکومتش نداشت. اهداف حزب رستاخیز هم با نتایج و دستاوردهای آن متفاوت بود؛ هدف حزب رستاخیز تقویت رژیم، نهادینه‌کردن هرچه بیشتر سلطنت و فراهم‌کردن پایگاه اجتماعی گسترده‌تر برای دولت بود. اما نتیجه‌ای عکس داد، چنان‌که محمدرضا شاه در «پاسخ به تاریخ» تشکیل حزب رستاخیز را از «اشتباهات دوران سلطنت» خود عنوان کرد که حتی انورسادات هم در آن ناکام ماند و وادار به بازگرداندن نظام چندحزبی شد.